

درباره زندگی و آثار محمد تقی ملك الشعرا بهار ۱۸۸۶ - ۱۹۵۱

خلاصه ای از پایان نامه دوره دکتری در رشته ادبیات که در حدود ۱۰۰ صفحه به زبان روسی سال ۱۹۶۰ در دانشگاه دولتی مسکو به نام لا ما نوسف پذیرفته شده است .  
( از ژاله )

محمد تقی ملك الشعرا بهار - شاعر و ادیب برجسته ، محقق و مورخ دانشمند ، روزنامه نگار مترقی ، مبارز راه صلح و آزادی ، سیاست مدار میهن پرست و از افتخارات شعر و ادب روزگار ماست .  
آثار ملك الشعرا بهار آینده درختان و با زتاب راستین زندگی مردم ایران است که روی دادهای سیاسی و دگرگونی های اجتماعی نیمه اول قرن بیستم را در بر می گیرد .  
بهار مانند يك شاعر مشروطه خواه هوادار سلطنت به اصول قانون اساسی موجود احترام می گذارد اما همچون يك هنرمند حقیقی نمی تواند در برابر پیدادگری ساهان و فساد درباریان و طبقه حاکم بر کشورش خاموش بنشیند و دردها ورنج های ریشه دار جامعه ایرانی را نبیند و در شعرش تصویر نکند .  
بنا براین در آثار ملك الشعرا دو جنبه متضاد به چشم می خورد - ناخرسندی کامل از وضع درد آفرینا بسامان زندگی اجتماعی موجود در ایران و در عین حال احترام به رژیم سلطنت و حاکمیت سرمایه که مسبب همان دردها است . عدم توجه به تضادی که بین طبقات استثمارگر و استثمار شونده که اولی دست نشاندۀ استثمار و دومی پامال هر دو ی آنهاست ، سرچشمه اساسی دوگانگی نظرات سیاسی - اجتماعی بهار ، بشمار می رود .

ملك الشعرا از محیط تاریک و فارت زده خود نا راضی است اما برای تغییر آن ، کمتر قدم قطعی بر می دارد .  
شعرا و ویرانگر دیوارهای کهنای است که زندگی مردم میهنش را از ملل آزاد و پیشرفته جهان جدا کرده است .  
ونقش مترقی هنر ارزنده او نیز در همین است .

استعداد بزرگ بهار و مبارزات اجتماعی - سیاسی او از آغاز دوران جوانی وی نظر خاور شناسان خارجی و ادیبان ایران را به خود جلب کرده است . نام او در صف اول شاعران و نویسندگان دوران مشروطه و پس از آن همواره جای داشته و دارد . ادیبان و تذکره نویسان مشهور مانند رشید یاسمی ، محمد ضیاء هشتروندی ، عبد الحمید خلجالی ، برقصی و دیگران ضمن شرح احوال و نمونه اشعار بهار همیشه با احترام فوق العاده از این شاعر مبارز یاد کرده اند .

پس از درگذشت ملك الشعرا ، شاعران ، نویسندگان و روزنامه نگاران در بزرگداشت شاعر آثار فراوانی به چاپ رسانده اند .

دو بیوگرافی نسبتاً مفصل و جداگانه ای که تا کنون درباره نامبرد نهاشته شده ، یکی " زندگی و آثار بهار " در دو جلد است به تألیف نیکو همت که سال ۱۹۵۵ در کرمان انتشار یافته است .  
این کتاب بدون آنکه جنبه تحقیقی داشته باشد ، به یاد داشت های پراکنده ای میماند که مؤلف گاهی هم خدمات بهار را جزو اشتباهات وی بشمار می آورد مثلاً شرکت او در هواداری از صلح .  
کتاب دیگر " شرح احوال و آثار ملك الشعرا محمد تقی بهار " است به قلم عبد الحمید عرفانی که در تهران سال ۱۹۵۶ منتشر شده است . در این کتاب شرح زندگی بهار ، نسبتاً دقیق و مفصل داده شده اما عرفانی هم مانند نیکو همت ، شعر بهار را بدون هیچگونه بررسی و ارزیابی عیناً نقل کرده است که کتاب فاقد نقد ادبی و جنبه های تحقیقاتی است .

شایسته تیرین ارزیابی نقشی که ملك الشعرا در شعر و ادب فاسی دارد ، توسط علامه علی اکبر دهخداست که می گوید : " ... بهار بزرگترین شاعر معاصر سبک خراسانی است و می توان گفت که در طول چهار - پنج قرن اخیر ، شاعری به این قریحه و ذوق در سبک نبوده است " ( ۱ )

۱ - شرح احوال و آثار ملك الشعرا محمد تقی بهار " عبد الحمید عرفانی . تهران ۱۹۵۶ صفحه ۱۹

خامر شنا سرانگلیسی پروفیسور ادوارد بلاون در کتاب

THE PRESS AND POATRY OF MODERN PERSIA. CAMBRIDGE 1914.

سیزده قطعہ شعر ملک الشعرا بہار را بدون بررسی و تحقیق ہمراہ بیوگرافی مختصر شاعر نقل کردہ می نویسد " ملک الشعرا در طرز قصیدہ و تتبعات تاریخی و ادبی استاد است " . محمد اسحاق در جلد دوم کتاب " سخنوران ایران در عصر حاضر " (سال ۱۳۵۱ قمری در دہلی) بہار را استاد و نمونہ کامل گروه شاعرانی دانست کہ مضمون ہای تازه را بہ سبک استادان قدیم بہ کار می برند .

خامر شلٹ سان شوروی نیز ضمن بررسی ادبیات معاصر ایران ، در بارہ ملک الشعرا بہار نظرات خود را بیان کردہ اند .

چا یکین در کتاب

КРАТКИЙ ОЧЕРК НОВЕИШЕЙ ПЕРСИДСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ

می نویسد " ملک الشعرا بہار بدون تردید ، یکی از بزرگ ترین شاعران معاصر ایران بہ پیشا می رود " .

ی ۱۰ برتلس

پروفیسور ی ۱۰ برتلس در کتاب تاریخ مختصر ادبیات فارسی ( ۱۹۲۸ لندن تراڈ )

Е.Э. БЕРТЕЛЬС " ОЧЕРК ИСТОРИИ ПЕРСИДСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ " .

از موفقیت ہای بہار در فرم شعر فارسی و بویژہ از دویتی مای بی ہم ( کہ بہ نظر او شکل شعر اروہائی است ) تعریف می کند . برتلس بہار را شاعر بدبین ( پسی میست ) مینامد کہ بہ نظر ما درست نمی آید . آکادمیسین ما ر کہ با بہار و اشعار او در تہران آشنا شدہ است ، معتقد است کہ ملک الشعرا یکی از بزرگ ترین شاعران ایران معاصر میا شد .

ملک الشعرا بہار شرح احوالی خود را بہ شکل پراکندای در اشعار و آثار نثری خویش می نویسد کہ نوشتہ او در دیباچہ " تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران " و همچنین زیست نامہ وی در دو جلد دیوان وی کہ سال ہای ۱۹۵۷-۱۹۵۶ توسط خانوادہ بہار در تہران انتشار یافتہ ، منبع اساسی تحقیقات ما را در این رسالہ تشکیل می دہد .

بہار در طول نیم قرن زندگانی ادبی و سیاسی اشد دارای طرفداران دو آتشہ و مخالفان سر سخت بودہ است کہ ہر دو گروہ گہگاہ در ارتقای فعالیت هنری و اجتماعی شاعر غالباً توازن را از دست دادہ و دچار افراط و تفریط شدہ اند .

ہد فاساسی این اثر بررسی نقش پزگی است کہ ملک الشعرا بہار در دورہ ہای مختلف در دگرگونی زندگی ادبی و اجتماعی میہن خود بلکہ عہدہ داستہ است و تا چہ توانستہ است بہ پیشرفت اندیشہ ہای مترقی دوران خود در ایران خدمت کند .

اثر حاضر دارای چہار فصل می باشد . فصل یکم دارای ۲ بخش است

بخش یکم شامل نخستین دورہ فعالیت ادبی ملک الشعرا بہار در خراسان است از سال ۱۸۸۶ تا ۱۹۱۴

محمد تقی بہار در یازدہم دسامبر ۱۸۸۶ در مشهد متولد شد . پدر او محمد کاظم ملک الشعرا متخلص بہ صبوری شاعر آستان قدس بود کہ با شاعر - صبا ی کاشانی خویشاوندی داشت . ما در بہار از سبک خانوادہ گرجستانی است کہ جد او در جنگ ہای روس و ایران بہ اسارت بہ ایران بردہ شدہ بود . محمد تقی از سن چہار سالگی بہ مکتب رفت و در سن ہفت سالگی شاہنامہ فردوسی را بخوبی می خواند و از ہمان زمان بہ شعر گفتن پرداخت . بہار ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر خود و نیز شاعر ادیب نیشابوری فرا گرفت و بہ زودی بیست ہزار بیت اشعار شاعران متقدم را از بر کرد . محمد تقی زمانی فعالیت ادبی خویش را آغاز کرد ، کہ سخنوران دورہ " موسوم بہ بازگشت ادبی را بہ وجود آوردہ بود ند یعنی بہ سبک شاعران کلاسیک قرن ہای دہ و یازدہ - بہ سبک خراسانی شعر می گفتند و محمد تقی جوان در چنین دوری و مکتبی پرورش یافت . بہار از آغاز جوانی چنان استعدادی از خود نشان داد کہ اکثر خوانندگان شعر شہ پار ند استند کہ اشعار از شخص او ست و لذا گاہ گاہ وی را بہ مسابقہ ہای دشوار ادبی دعوت می کرد ند تا او را بیازمایند و بہار ہمیشہ پیروز می شد .

LEHNTPAAD. 1928.

(از زبان)

صبوری نمی خواست پسرش شغل خود او - ساعری را پیشه کند بلکه می کوشید محمد تقی جوان  
 به تجارت بپردازد . اما مخالفت های پدر به هیچوجه نتوانست عشق به هنر را در دل بهار جوان  
 خاموش کند . صبری سال ۱۹۰۴ در اثر بیماری و سال درگذشت و ملازمه و شاعر ۱۸ ساله  
 برای سرپرستی خانوار پنج نفری خود دچار دشواری های فراوان شد .  
 بهار سال ۱۹۰۴ قصیده ای در مدح مظفرالدین شاه گفت و از او فرمان ملك الشعرائی را دریافت  
 کرد . اشعار ملك الشعرا بهار پیش از دوران مشروطیت ، فاقد مضامین اجتماعی و نوآوری هنری است و  
 می توان گفت تقلید اشعاران کلاسیک است .

بخش دوم - ملك الشعرا در دوران انقلاب مشروطه ۱۹۰۵-۱۹۱۱

نهضت مشروطیت اگر چه نتوانست مستم حاکمیت مطلقه فتووالی را در ایران از بین ببرد ، اما  
 به هر حال دگرگونی های بزرگی در جامعه ایران پدید آورد . بر اساس همان دگرگونی ها بود که  
 ادبیات فارسی نیز به مرحله نوینی نام نهاد . ده ها تن شاعر - نویسند و روزنامه نگار مترقی مانند  
 علی اکبر دهخدا ، ابوالقاسم لاهوتی ، سعید اشرف کیلانی ، عارف قزوینی ، فرخی یزدی ، وحید  
 دستردی ، ادیب الممالک فراهانی ، صهر اسرافیل ، ملك الشعرا بهار و دیگران با اشعار و آثار انقلابی  
 خود علیه ارتجاع ، استبداد و اخلی و استعمارگران خارجی به مبارزه برخاستند . انقلاب مشروطه  
 طبعا سیما ی ادبی بهار جوان را تغییر داد . او دیگر نمی توانست به ملك الشعرا شبی آستان قدس  
 و مدیحه سرائی دربار اکتفا کند و خرسند باشد . از این زمان شاعر در راه آزادی و استقلال میهن  
 خود سر سخنان مبارزه می کند . مسائل سیاسی - اجتماعی کشورش ، موضوع شعر او قرار می گیرد .  
 در قصیده " به شکرانه توشیح قانون اساسی ( ۱۹۰۶ ) " بهار به پیستانان انقلاب و پیروزی آزادی  
 خواهان درود می فرستد و به ارتجاع و استبداد بی رحمانه می تازد و می گوید ، عدالت و آزادی  
 تنها سرچشمه خوشبختی مردم می باشد .  
 قصیده مشهور " کار ایران با خداست " ( که با شاه ایران ز آزادی سخن گفته خطاست )  
 که سال ۱۹۰۹ در روزنامه " خراسان " انتشار یافت ، ملك الشعرا را در محافل ادبی و سیاسی  
 آن روز مشهور ساخت .

بهار با اشغالگران مداخله جوی خارجی - تزارسم و امپریالیسم انگلیس نیز به شدت مبارزه میکرد .  
 او در چکامه " پیام به وزیر خارجه انگلیس " علیه قرارداد ۱۹۰۷ مراتب اعتراض و نارضایتی خود را بیان  
 کرد .

ملك الشعرا سال ۱۹۰۸ عضو انجمن مخفی " سعادت " شد که با آزادی خواهان قفقاز  
 در ارتباط بود و سال ۱۹۱۰ که هجبه حزب دمکرات ایران بر هبری حیدر عمو او غلی در مشهد  
 دایر شد ، ملك الشعرا به عضویت کمیته ایالتی آن حزب برگزیده شد و در همان سال روزنامه " نوبهار "  
 را به عنوان ارکان حزب دمکرات ایران انتشار داد . روزنامه با ارتجاع و استعمار مبارزه می کرد .  
 ملك الشعرا تاریخ و فولکلور ایران را بخوبی می دانست و در دوران مشروطه ، برای پیشبرد  
 اندیشه های انقلابی خود از آن استفاده می کرد . از آثار مهم او در این زمینه منظومه " آینه عبرت "  
 یا تاریخ منظوم ایران است که در چهار هزار مصرع است و به شرح تاریخ ایران از زمان کیومرث ( شاه  
 افسانه ای ) تا زمان محمد علی شاه پرداخته شده است . بهار می کوشد تا نشان دهد که بیدادگر  
 همیشه محکوم شکست و نابودی است و مغرور مردم .

ملك الشعرا از طنز اجتماعی و تصنیف های انقلابی که از نوآوری های ادبی عهد مشروطیت است  
 بخوبی استفاده کرده است . زبان شعر او در این گونه آثار ، بسیار روشن و ساده و زیباست .  
 سال ۱۹۱۱ که ارتجاع ایران ، اولتیماتوم اسارت بار روسیه تزاری را پذیرفت و مجلس دوم را  
 منحل ساخت ، ملك الشعرا به سبب اعتراض شدیدی که کرد ، همراه گروهی دیگر از دمکرات ها از مشهد  
 به تهران تبعید شد و روزنامه تازه بهار به مدیریت وی نیز توقیف گردید . بهار بعد ها نوشت  
 " مشروطه دوم این جا تمام می شود که هر چه بافته بودیم پنبه شد . "

فعالیت ادبی بهار در سال های ۱۹۱۱ - ۱۹۱۴ شور و حرارت پیشین را از دست می دهد  
 اما انتقاد اجتماعی بازم جنبه اساسی شعر شاعر را تشکیل می دهد . ملك الشعرا در روزنامه " نوبهار "  
 و مقالات فراوانی انتشار می دهد که همگی آنها دارای روح مبارزه جویی علیه جهل و فقر  
 و فانا تیزم حاکم بر جامعه است . آزادی زن نیز یکی دیگر از مسائل مورد توجه شاعر است .  
 شعرهای " جهنم " ، " هرچ و مرچ " ، و مستزاد های مشهور او " داد از دست عوام "  
 و " داد از دست خواص " دارای این گونه مضامین است که مورد تکفیر روحانیون قرار می گیرد و در نتیجه

روزنامه اش توقیف می شود . ملك اشعرا با یاری هواداران فراوانی که داشت سال ۱۹۱۴ به وکالت دوره سوم مجلس شورای ملی انتخاب شد و به تهران منتقل گردید .  
 خدمات ادبی و اجتماعی ملك اشعرا بهار در دوران مشروطیت از ارزش ویژه ای برخوردار است و می توان و با ید گفت که بهار با اشعرا را آزادی خواهانه و با مبارزات ضد ارتجاع و امپریالیسم که هدف خود قرار داده بود ، به پیشبرد جنبش‌ها ئی بخش مردم ایران و به شکفتگی ادبیات نوین فارسی بسیار خدمت کرد .

فصل دوم - ملك اشعرا بهار در سال های ۱۹۱۴ - ۱۹۲۱

از سال ۱۹۱۴ فعالیت پارلمانی بهار در تهران آغاز می شود . فضا روز افزون استعمارگران و مداخله جویان حاکم و خرابی وضع داخلی کشور و بویژه محدودیت جهان بینی شخص بهار ، او را در این دور غالباً دچار تزلزل و احياناً اشتباه می کند . اما به محض این که شاعر متوجه می شود که راهش درست نیست به اصلاح خویش می پردازد و راهی را در پیش می گیرد که بنظر وی بهر صورت آزادی است .

سال ۱۹۱۵ که ارتش تزاری از شمال و نیروی انگلیس از جنوب ایران را مورد حمله قرار دادند و قصد شان تسخیر تهران بود ، هیئت دولت ، وکیلان مجلس و اعضاء حزب دمکرات رهسپار قسـم شدند و در آن شهر کمیته دفاع ملی و حکومت موقت را تشکیل دادند ، ملك اشعرا که جزو آنها بود در يك ماه موریت دفاعی دستش شکست و به تهران بازگشت و از آنجا به پجنورد تبعید شد . ملیون و آزاد یخواهان ایران نیز در قسم شکست خوردند و پراکنده شدند .

سال ۱۹۱۵ روسیه تزاری و اسیمارگران انگلیس که به پیوسته مناسبت سیاه خود ، امور مالی را در دست گرفتند ، بهار قصیده ای با عنوان " خیانت " گفت و در آن اعلام کرد که هر کس که بخواهد ایران را به یک کشور مستعمره مبدل کند خائن است و با ید به کیفر خود برسد .

نا گفته نماند که شکست آزاد یخواهان ، ملك اشعرا را از مبارزه دل سرد ساخت و کارا کتر انقلابی وی را شکست کرد بطوری که رفته رفته به سرا شیب لغزش‌ها ئی دچار شد . مثلا در این دور بهار با وثوق الدوله که مردی شاعر و ایب اما بیگانه پرست و آتشه بود ، نزدیک شد ، گاه اید ه های زیان آوری را تبلیغ می کرد . قصیده " فتح و رشو " هواداری آشکاری است از آلمان متجاوز و در بعض آثار دیگر نشانه های از طرفداری از سیاست استعمارگرانه انگلیس مشاهده می شنود .  
 در این دور که سفانه از مسائلی اساسی حیاتی برای میهنش در می شود و بیه جای اله روحیه ویرانگر و سازنده اشعارش در زمان مشروطیت ، موضوع های درجه دوم را در نظر می گیرد مثلا شکایت از کل حیایان ها ، واکن های شکسته ، کثافت آب حمام ها و غیره .

بطور کلی در سال های جنگ اول جهانی ، ادبیات فارسی نسبت به زمان مشروطه سیر قهقرائی را طی می کند . مسابقه های تغنی ادبی ، فزلسرائی های تکراری و تقلیدی که هم گویند و هم خوانند و را از مبارزه اصولی اجتماعی دور می کند ، جای اشعار انقلابی و بسیج کنند دوره مشروطه را می گیرد و بطوروی که گفته شد ، ملك اشعرا هم از این سرایشب در امان نمی ماند .

انقلاب کبیرا کتر در جنبش های رهائی بخش بسیاری از خلق های در فتار استعمار و امپریالیسم تا ثیر فراوان داشت و از آن جمله در میهن ما ایران . نهضت های آزادی خواهانه در سال های بین ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ ( قیام شیخ محمد خیابانی ، نهضت میرزا کوچک خان ، قیام کلنل محمد تقی خان - قیام ابوالقاسم لاهوتی ) نشان گر تا ثیر انقلاب است . سر نخونی دستگاه تزاریسم و پیروزی انقلاب ستمکشان در کشور همسایه در ادبیات فارسی نیز نفوذ کرد . ملك اشعرا در قصیده مرگ تزار او را ماری می نامد که با یدیستی نا بود می شد و با ستایش از لنین می گوید " مردی که ریسمان گلوی ما را رها کرد - لنین است . . . " ( ۱ ) شاعر مشهور - عارف قزوینی نیز می گوید " ای لنین ، ای فرشته رحمت . . . " ( ۲ )

لرزم

ملك الشعرا در سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ با انتشار مجله دانشکده خدمت بزرگی به پیشرفت ادبیات فارسی کرد . مقالات متعدد او درباره ادبیات بطور کلی و پیوستگی آن با اجتماع ، در پیرامون روپداد ها و نوآوری های ادبی در اروپا ، در ارتباط با تاریخ ادبیات فرانسه و بویژه نظرات بهار در مورد ~~دین~~ دگرگونی و نوآوری اساسی در شعر و نثر فلسفی که برای نخستین بار در مجله دانشکده به چاپ رسید ، در محافل ادبی آن زمان تأثیر چشم گیری داشت . این آثار و جنبه های مترقی که در نظرات بهار و در صفحات دانشکده تجلی کرد . ملك اشعرا را از انحصاری که در سال های ۱۹۱۱ - تا ۱۹۱۷ در بیان گیرش شده بود ، نجات داد .

فصل سوم - ملك اشعرا بهار در دوره بیست ساله دیکتاتوری رضا شاه ( ۱۹۲۱ - ۱۹۴۱ )

کودتای ۱۹۲۱ سید ضیا و سردار سپه و قرارداد ۱۹۲۱ بین دولت های ایران و اتحاد شوروی دو حادثه مهمی است که ~~بهره~~ دگرگونی های فراوانی در تاریخ معاصر ایران پدید آورد . امپریالیسم امپریالیسم انگلیسی به منظور جلوگیری از نفوذ معنوی دولت شوروی در ایران و برای احیای قرارداد ۱۹۱۹ ، سروصدای جمهوری را در این کشور برآورد . روشنفکران ایران که از ضعف سلسله قاجار به تنگ آمد بودند ، از جمهوری پشتیبانی کردند . شاه ایران مشوری چون بهار و عشقی ، عارف و دیران ابتدا از برقراری جمهوری هواداری کردند ، اما بسی زود به ما هیت ساختگی و دروغین آن پی برد و جلوه آن به مبارزه برخاستند . عشقی در این راه کشته شد و بهار مرثیه بسیار جانبی برای وی گفت که شعر " مرگ شاعر " لرمانتوف را به یاد میاورد که برای شهادت پوشکین سرود .

ملك الشعرا به سال ۱۹۲۲ مجله هفتگی " نوبهار " را انتشار داد و همان سال به نمایندگی نمایندگی مجلس چهارم برگزیده شد . بهار در مجلس پنجم نیز نمایندگی بود و سلطنت رضا شاه مخالفت می کرد در باره در صد کشتن شاعر برآمد ، اما به جای بهار ، شاه را انقلابی دیگری یعنی واعظ قزوینی به قتل رسید ( گفته می شود که نقشه شخص واعظ قزوینی هم کشیده شد ) .

ملك الشعرا پس از پایان مجلس پنجم زندانی شد . در دوره ششم نیز از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد و از آن پس ، تا پایان دوره دیکتاتوری از کار سیاسی برکنار ماند .

ملك الشعرا در آغاز سلطنت رضا شاه با يك سلسله اشعار انتقادی و اجتماعی مانند " سکوت شب " و " دماوندیه " و غیره با دیکتاتوری مبارزه کرد اما سال ۱۹۲۷ در منظومه " چهار خطابه " شاه را مورد ستایش قرار داد و وی را به دادن اصلاحاتی که موجب آسایش و آرامش مردم ایران باشد دعوت کرد . با وجود این بهار همیشه مورد سوطن دولت و شخص رضا شاه بود و سرانجام سال ۱۹۳۲ که خواست دیوان اشعارش را انتشار دهد " کتاب در چا پخانه توقیف شد و بهار زندانی شد و پس از چندی به اصفهان تبعید شد . ملك الشعرا در زمان تبعید در اصفهان ۱۲ هزار مصراع شعر گفت که " کارنامه " زندان " از آن جمله است . این مثنوی مفصل شامل حکایات کونا کونی است که رویهم رفته به پای آثار دیگر بهار نمی رسد . قطعه " مرغ شبها هنگ " یکی از بهترین آثار بهار به شمار می رود . شاعر در این اثر تنها به تصویر زندی مشت با ر خود اکتفا نکرد بلکه از فجایح حکومت دیکتاتوری و از ظلم و فساد هیات حاکم و بویژه از تعقیب و ترور رایج در کشور شیبی رحمانه انتقاد می کند و یک ~~کتاب~~ اجتماعی را آرزو می کند . بهار موازی با سرودن اشعار عالی مانند " مرغ شبها هنگ " و " دماوندیه " به نوشتن قصیده

کرد

" دیروز و امروز " در مدح رضا شاه نیز می پردازد که نشانگر روحیه لیبرالی اوست . ملك الشعرا در زمان دیکتاتوری رضا شاه که شعر گفتن همیشه با خطر همراه بود ، به تبعات تاریخی و تحقیقات ادبی پرداخت . علاوه بر مقالات فراوان و رساله های متعدد ادبی و تحقیقی که او باقی است ، کتاب های " مجمل التواریخ والقصص " ، تاریخ سیستان ، جوامع الحکایات ولوامع الروایات عوفی ، رساله النفس ارسطو و تاریخ بلحمی را تصحیح و منتشر کرد . رمان " نیرنگ سیاه " یا کنیزان سفید از آثار نثری این دوره بهار است .

خدمت برجسته بهار به ادبیات فارسی تا لیف ۳ جلد کتاب " شبک شناسی " است در جلد اول اطلاعات محققانه ای در پیرامون زبان شناسی و باستان شناسی داده می شود . جلد های دوم و سوم بیا نگر تحولاتی است که در نثر فارسی از قرن دهم تا اواخر زمان شاعر رخ داده است که بهار آن را به شش دوره تقسیم می کند . " شبک شناسی " با تحقیقات همه جانبه ای که برای نخستین بار روی نثر کلاسیک فارسی می کند ، اثری است بسیار آموزنده و ارزشمند .

ملك الشعرا زبان پهلوی را بحوبی می دانست و آثاری از آن زبان مانند " مادیکان شترنگ " ، " داروك خرسندیه " " یادگار زریوان " و " اندرز آذرباد مار سفندان " را به فارسی برگرداند . اثر اخیر به شعر ترجمه و چاپ شده است .

ملك الشعرا بهار در سال های ۱۹۲۱-۱۹۴۱ علاوه بر فعالیت های شعری و روزنامه نگاری (که در سالهای پیش هم به آن مشغول بود ) بمنزله يك نویسنده زبردست و محقق دانشمند و يك مترجم پرثمر داخل تاریخ ادبیات فارسی شد .

تد ریس علم سبک شناسی در دوره دکترا در دانشگاه تهران و تالیف کتاب های درسی برای مدارس نیز از خدمات پر ارزش این دوره بهار به شمار می رود .

در این دور ملك الشعرا بهار با شاعران ، نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران - نیمایوشیج ، علی اکبر دهخدا ، ابوالقاسم لاهوتی ، ایرج میرزا ، پیر وین اعتصامی ، عارف قزوینی ، عشقی ، فرخی یزدی ، پور داود و سخنوران فامدار دیگر هم زمان است و با بیشتر آنها دوستی و همکاری دارد که خوشبختی اوست . این هنرمندان برجسته جاوید ، ستاره های دنباله داری هستند که از پی آنها ستاره های تازه ای پس از جنگ جهانی دوم ، آسمان شعر و ادب ایران را روشن می کنند .

فصل چهارم - فعالیت اجتماعی و ادبی ملك الشعرا بهار از آغاز جنگ جهانی دوم تا پایان زندگی . ۱۹۴۱ - ۱۹۵۱

پس از پایان دوره موسوم به بیست ساله دیکتاتوری ، جنبش های آزادی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی در ایران اوج گرفت و این مبارزات در ادبیات فارسی نیز تا ثیر بسیاری کرد . موازی با موضوع های اجتماعی مربوط به ایران يك سلسله مسائل بین المللی مورد توجه شاعران و نویسندگان ما و مضمون آثار آنها قرار گرفت . هاری و جهان خواری فاشیسم هیتلری و نبرد دلیرانه ارتش های ازاد پیشین که نهایت او را به زاهد در آوردند (بوژه ارتش سرخ ) و فاشیسم آن .

بهار در این دور روزنامه " نوبهار " خود را از نو انتشار داد و مبارزه خود را علیه ارتجاع داخلی و استعمار از سر گرفت . شعر های " صفحه ای از تاریخ " ، " دله از انگلستان " ، " نفرین به انگلیس " از این قبل است .

سال ۱۹۴۲ ملك الشعرا سلسله مقالاتی با عنوان " تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران " در روزنامه " مهر ایران " بچاپ رساند و بعد ها آن مقالات را به شکل کتاب جداگانه ای به همان نام انتشار داد که متذرجات آن از روحیه لیبرالیستی و از استبداد های سیاسی و نظری دور نمی باشد .

دوران پس از جنگ جهانی دوم ، دورانی است سرشار از حوادث مهم سیاسی و اجتماعی برای ایران . خلع پید شرکت نفت ایران و انگلیس و تصویب قانون ملی کردن نفت به همت رورهبیری دکتر مصدق تشکیل جمعیت های ضد امپریالیستی و مبارزه با مداخله گران امریکائی ، اعتلای جنبش های استقلال طلبانه مردم ایران که توانستند برای مدت کوتاهی صدای اعتراض خود را بلند کنند و نان و آزادی بخواهند ، همه این ها جامعه ایرانی را تکان داد . و این حرکت ادبیات فارسی را از ریشه تکلیف ساخت . يك گروه شاعران جوان مترقی به عرصه ادبیات نوین گام نهادند و مضمون های اجتماعی تازه را در شکل های نو شعر بیان کردند . فریدون توللی ، مهدی اخوان ثالث ، احمد شاملو ، سیاوش کسرائی ، قادر ظفر پور و فروغ فرخزاد و دیگران پیروان راه نیمایوشیج و پیشگامان " شعر نو " میباشند که بیشتر آنها از سالهای ۱۹۵۰ ملك الشعرا بهار در این دوران بیش از هر وقت دیگر ، به گذشته خود می اندیشد ، با خویش می جنگد ، گاهی به زندگی گذشته اش افسوس می خورد و از کرده ها پشیمان می شود و می گوید .

"چهل سال تمام عمرم را در ورزش های سیاسی و اجتماعی و فلسفی و ادبی صرف کرده ام و کمال مطلوبم خدمت به فرهنگ و پیدا کردن سعادت ایرانی بوده است و اگر گاهی به خطا رفته ام " نیتم نبوده . امروز این حقیقت را درک کرده ام که با اجتماع و نظم کهنه و با انزوا و جدائی از دنیا و بدبینی و خصومت نسبت به همسایگان نمی توان زندگی کرد . "

آنها پس از جنگ بهار ، مبارزه درونی شاعر و جستجوهای معنوی و فلسفی او را نشان می دهد .

ملك الشعرا در سال ۱۹۴۳ ریاست کمیسیون ادبی انجمن روابط فرهنگی ایرانی و شهرویی را به عهده گرفت و سال ۱۹۴۵ در جشن ۲۵ سالگی جمهوری فنور بایجان شهرویی شرکت کرد و شعر " هدیه باکو " را که دارای ۱۱۲ بیت است سرود .

۸  
ملك الشعرا با سرودن چکامه " جغد جنگ " که یکی از بهترین اشعار فارسی معاصر است، دفتر پنجاه سال شاعری خود را فرو بست . بهار طبق تصمیم دومین کنفرانس جهانی صلح ، به عضویت شورای عالی صلح جهانی برگزیده شد . او در بجهت مبارزات استقلال طلبانه و صلح جوانه خود و در حالی که فعالیت پر شعری را با شور و گرمی ادامه می داد ، روز یکشنبه ۲۱ آوریل ۱۹۵۱ از بیماری سل ، در تهران درگذشت .

ملك الشعرا بهار در سراسر زندگی ارزنده خود مانند يك شاعر میهن پرست و انسان دوست حقیقی در راه استقلال ملی و پیشرفت و ترقی اجتماعی و شکوفائی شعر و ادب فارسی با همه نیروئی که داشت مبارزه کرد . نامبرده مسائل سیاسی و اجتماعی را که شخصاً با آن سروکار داشت ، از شعرش جدا نکرد طی نیم قرن شاعری ، سی سال فعالیت روزنامه نگاری نزدیک به بیست سال تدریس ~~تدریس~~ شناسی و ادبیات در دانشگاه تهران و با تصحیح و تألیف و ترجمه آثار فراوان علمی و ادبی ، به فرهنگ و ادب فارسی خدمت به سزائی کرد .

بهار ~~شعر~~ کلاسیک فارسی ، پیوسته قصیده را برای مضمون های اجتماعی نو چنان استادانه بکار برد که منتقدان و ادیبان ایران به حق به او لقب بزرگ ترین شاعر معاصر سبک کلاسیک را دادند . ملك الشعرا با احساس میهن پرستی و مردم دوستی که داشت چون فاقد يك ایده آلوی درست علمی بود ، لذا گهگاه در حل مسائل سیاسی - اجتماعی دچار تگر روی و تزلزل می شد . اما پس از چندی که به اشتباه خود پی می برد ، به اصلاح نظرات خویش پرداخته و راه درست را پیش می گرفت و با عشق به آزادی و عدالت و اجتماعی و با آرزوی صلح و خوشبختی برای هم میهنانش شعر می گفت . نخستین شعر بهار که به چاپ رسید " کار ایران با خداست " سرودی است که بیدادگری و استبداد را محکوم می کند و آزادی را می ستاید .

آخرین آفرینش او " جغد جنگ " حماسه ای است برای زندگی صلح آمیز مردم ایران و تمامی انسان های روی زمین .

این آغاز و فرجام نیک و اطمینان به اینکه ملك الشعرا بهار ، مردم و هنر سازنده را در سراسر عمر تا حد پرستش دوست می داشت و در راه آنها مبارزه می کرد به این شاعر برجسته جق می دهد که نامش در تاریخ ادبیات ایران با خطوط برجسته ثبت گردد .

---

پایان

نکارنده زاله . ۱۳۳۸